



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۲۲

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

جلسه یکشنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ - بیستم محرم ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰ تومان  
 داخلة ۱۰۰ تومان  
 خارج ۱۲۰ تومان  
 نك شماره: بکتران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ هـ (۲۰ عرم ۱۳۵۰)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس  
 ۱) تصویب یک فقره اخبار قوه  
 ۲) شور و تصویب لایحه تقیبات وزارت اقتصاد ملی
- ۱) تصویب لایحه ارتقا ملاک بزروی اتمام خارجه  
 ۵) تقدیم یک فقره لایحه احوط آقای وزیر طرب  
 ۶) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز یکشنبه دوم خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*#\*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - عرض کنم در صورت جلسه آقای معتمد  
 سنگ را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان بوسیله  
 بنده کسب اجازه کرده اند و کسالت داشتند خواستم عرض  
 کنم امر بقره العید اصلاح شود  
 رئیس - چون از کبینه بیون هنوز در این باب اظهار  
 نظر نکرده اند ما تکلیفشان معلوم نبود بعد اصلاح میشود  
 در صورت مجلس اعزازی نیست (گفته شد - خیر) صورت  
 مجلس تصویب شد.

### [ ۲ - تصویب یک فقره اعتبار نامه ]

آقای دکتر طاهری (مخبر) خیر شعبه ششم را راجع  
 بنمایندگی آقای حسینقلی خان نواب از حوزه انتخابیه  
 شیراز بطریق ذیل قرائت نمودند  
 خیر از شعبه ششم مجلس مقدس شورای ملی  
 دوسیمه انتخابات دوره هشتم تقنیه شهر شیراز و توابع  
 در شعبه ششم مطرح شور و مذاقه کردید جریان انتخابات  
 مزبور بر طبق موازین قانونی و بشرح ذیل بوده:  
 انتخابات دوره هشتم تقنیه شهر شیراز و توابع در  
 تاریخ دوم فروردین ۱۳۱۰ بعد آمد و در مدت قانونی

\*# عین مذاکرات مشروح سی و دومین جلسه از دوره هشتم تقنیه - ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰ )

دایرة تنه نویسی و تقریر صورت مجلس

\*# اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شد: قائمیان با اجازه - آقاییان - ابدینی -

لراب کیمرو - دکتر سگ - جمیری

تقین بی اجازه - آقاییان، نبورتش - حاج میرزا حبیب‌الله خان - حاج محمد رضایهانی - اورنگ - امیردولت‌قاسمی - میرزا  
 سیداحمدیهانی - اعظم زنگه - معتمد سنگ - آفرضا مهدوی - امیرعلی - میرزا  
 فرزندگهان بی اجازه - آقاییان - امینعلی - امینی - معتمدی

۱۹۵۶ و در هفت روز و اخذ رأی شده و در نتیجه آقای حسینفانباخان نواب با کثرت ۴۰۳ رأی بنامندگی حدود هفتم مجلس شورای ملی منتخب گردیدند شکیان هم در مدت جریان انتخابات و بعد از آن رسیده ششم ششم صحت نمایندگی معظم له را تصدیق و تصویب و اینک خبر آرا به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد

**ولیس -** رأی میکبریم بصحت نمایندگی آقای نواب آقابانکه بصحت نمایندگی ایشان مستعد قیام فرماید (اگر نمایندگان برخاستند) تصویب شد

**۳ - تقدیم و تصویب لایحه تقسیمات وزارت اقتصاد**

**ولیس -** آقای ولیس الوزراء فرمایشی دارید؟

**ولیس الوزراء -** لایحه است راجع بشکلیات و تقسیمات وزارت اقتصاد که برای تصویب با دو فوریت تقدیم میشود:

(لایحه مزبوره تقدیم بشرح ذیل قرائت شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی شریف الله ارکانه نظر اینکه وزارت اقتصاد ملی وظایف مهم را عهده دار بوده و نظر اینکه محول نمودن انجام مهم آن وظایف بعهده یک نفر بطوریکه لازم است تأمین مقصود را نمیتواند ماده واحده ذیل با قید دو فوریت پیشنهاد و نقضای تصویب آن میشود

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون وزارت اقتصاد ملی بسه اداره کل تقسیم میشود اداره کل تجارت اداره کل فلاحات - اداره کل صناعت

ادارات مزبوره در تحت نظارت عالی ریاست وزراء و هر يك از آنها بوسیله رئیس مستقلى كه بصحت معاونت وزارت در مجلس و هیئت وزراء حق حضور و شركت در مذاکرات دارد اداره خواهد شد

وظایف هر يك از ادارات ثلاثه بموجب نظامنامه كه هیئت وزراء تصویب خواهد کرد تعیین و این قانون بلافاصله پس از تصویب بملف اجرا گذاشته میشود

**ولیس -** فوریت اول مطرح است. آقای طباطبائی دیا **طباطبائی دیا -** بنده در ماده واحده عرض دارم

**ولیس -** مخالفی نیست؟ (گفتند خیر) موافقین با فوریت قیام فرماید

(اغلب برخاستند)

**ولیس -** تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است در او هم نظری نیست موافقین قیام فرماید

(اکثر قیام نمودند)

**ولیس -** تصویب شد. ماده واحده مطرح است. آقای دیا

**طباطبائی دیا -** بنده از تقاضای نظر اینکه در امور اقتصادی چنین اصلاحی لازم بود کمال موافقت را با این ماده واحده دارم لکن میخواهم سؤال کنم که این آقایان معاونان که تعیین خواهند شد در مقابل مجلس مسؤولیت اختیاری دارند یا ندارند چون موافق اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی وزراء در مقابل مجلس مسؤولیت اختیاری و اشتراکی دارند این معاونین هم دارند این مسؤولیت را یا نه؟

**وزیر عدلیه -** معاونین اعم از اینکه معاونین که در این لایحه ذکر شده است باشد یا معاونین سایر وزارتخانهها همانطوریکه وزراء مسؤولیت دارند معاونین هم مسؤولیت دارند و بهمان ترتیب هم هست که قانون مجامع وزراء معاونین را در همان ردیف گذاشته است مسؤولیت آنها مطرح نمیگردد اما طرز محاکمات بیک طرز علیحده نیست (صحیح است) بنا بر این اشکال ندارد البته يك کسی که يك کاری با او سپرده شده است دارای مسؤولیت است اساساً والیته کسی هم که در مجلس می آید و حق دارد توضیح بدهد دفاع کند حق دارد پیشنهاد کند البته در حدود معاونت که میکند دارای مسؤولیت هم هست باین معنی که میشود از او سؤال کرد استیضاح کرد میشود اگر چیزی کرد تعقیبش کرد بهمان ترتیب که برای وزراء مفروض است و هیچ اشکال هم با آن اصل قانون اساسی ندارد

**ولیس -** آقای حاج میرزا حبیب الله امین **حاج میرزا حبیب الله امین -** بنده با اصل موضوع مخالفی ندارم برای اینکه البته کار های وزارت اقتصادخیل

کامی مهمی است و تفکیک کردن این سه اداره البته لازم بوده است و صحیح است ولی يك اشکال بنظر بنده در اجرا پیدا میشود که باید مأمور شود و آن این است که اگر درایات و ولایات هم سه شعبه برای این سه قسمت اداره درست کنند از نقطه نظر بودجه خیلی گران میشود و اگر بخواهند مثل حالا که يك اداره در هر ولایتی هست و این سه اداره که کارشان از هم جدات این سه معاون که هر سه منتقل هستند و هر سه کارشان از هم جدات و مربوط بهم نیستند اینها بخواهند هم يك اداره مراجعه کنند بعهده بنده کار مشکلی خواهد بود بضافه عساکر است یکی از این معاونین از يك اداره که در خراسان یا ساهان است را چیت داشته باشد دیگری راضی باشد آیا تکلیف آن آدم چیست و نسبت بآن رئیس اداره چه معامله خواهد شد؟ بنده میخواستم این را توضیح بدهم که رفع اشکال بنده بشود

**وزیر عدلیه -** اشکالاتی که آقای تصور فرمودند البته اشکالاتی است صکه از نقطه نظر عمل پیش بینی کردند و الاً اصولاً هیچ اشکالی برای این سه مسئله نیست که يك مأمور از طرف دو یا سه وزارتخانه در مسائل مختلفه طرف رجوع باشد مثل اینکه الان حکام در حدودی که قانون معین کرده مأمور وزارت داخله هستند يك کار هائی هم از طرف وزارت عدلیه انجام میدهند بهاموریت آن وزارتخانه عمل میکنند در این قسمتها البته مسؤولیتشان از طرف وزارت عدلیه است و آنکسی که بهشان امر میدهد يك کسی است غیر از مسؤول وزارت داخله پس هیچ مانعی نخواهد داشت که يك اداراتی هم در خارج باشند و از طرف این سه معاون بانها يك کار هائی جمع شود و هر کدام از اینکار ها مربوط بیکي از این معاونین باشد اصولاً اشکالی ندارد حالا آدمی در عمل به نظر بود که مقربانند البته این را در عمل باید خودمان مراعات بکنیم فرض فرمایم مأمور يك مأمور وزارت داخله در يك جا بنظر وزارت داخله خیلی خوب مأمور است وزارت عدلیه اگر در کارها اینکه

یاو رجوع کرده است دید مأمور خوبی نیست البته باوزارت داخله معلقه وزارت وصحت خواهد کرد اورا بنامند میکند یا بانکس وزارت اقتصاد اورا بنامند میکند که بنده باشد در حواله راه امکان عمل را در ضمن دید همیشه انسان پیدا میکند و این مأمور از طرف چند وزارتخانه در ایران مقصود بنده این است که منحصر باین مورد نیست و اختصاص باین مورد ندارد موارد دیگر هم دارد که بنده عرض کنم مسئله امنیه ها هست که وزارت داخله کار بهشان رجوع میکند وزارت جنگ کار بهشان رجوع میکند این مسئله آقا باعث این نیست که ما در زندگانی عمل بانکالات بر بخوریم صرف نظر از این قسمت بنده آنچه که اطلاع دارم وزارت اقتصاد باقیال کار ادارات وسیع درجه جا نداشته است که حالا هم به اشکال بر بخوریم فرض بفرمایید در يك نقطه لازم است که از طرف اداره فلاحات يك عملیات مهمی بشود قسمت تجارتیش خیلی خیلی کم است کارش ممکن است همان مأموری که از طرف اداره کل فلاحات کار میکند آن قسمت تجارت را هم اداره میکند و اگر دیدن کار تجارانی اینجا خیلی عمل است و بعضاً ملاحتیش کتر بود باقیال کار که در قسمت فلاحات باید بشود خیلی اهمیت ندارد و اورا و این کار خواهد شد بعبارة اخری مأمور تجارت آن قسمت فلاحات را عهده دار خواهد شد و اگر کار با بنده مهم بود که لازم بود برای هر قسمتی برای اینکه کار خوب جریان پیدا بکند يك مأمور خارجي معین کنند همانطور که در اینجا در مرکز تخصصی کردند و سه معاون دارند در آنجا هم بهینکار او خواهند کرد و تصور میکند در این قسمتها همیشه عمل بهینتر را و برای پیش پای انسان میکارد آن راهی که علاقمندان اشکال میکنند انسان تعقیب خواهد کرد و تصور میکند که برای اتمام اشکال باشد.

**ولیس -** صحیح است.

**ولیس -** آقای چه شبیدی **چه شبیدی -** بنده خواستم سؤال کنم معادن و امتیازات جزو کدام يك از این دواير خواهد بود و آیا از این

بیمه وزارت اقتصاد وزیر مسئول دارد با غیر خوبست  
 در این باب آقای وزیر بک توضیحی بدهند  
**ولتر عدلیه** - در قسمت وزیر مسئول بستی ضروری  
 میکنم که در اینجا بک وزیر مسئول بستی وزیر اقتصاد  
 نیست بطوریکه ملاحظه میفرمائید که رییس الوزراء است به اداره  
 که در تحت نظارت عالیه رییس الوزراء است به اداره  
 کل تقسیم میشود و از برای هر کدام هم یک مجلس معین  
 کرده است که آن رئیس هم دارای اختیار است در حدود  
 قانون و هم دارای مسئولیت است در حدود قانون نظارت  
 عالیه که آقای رئیس الوزراء دارند در سایر وزارت خانه  
 ها هم دارند منحصراً بوزارت اقتصاد نیست ولی مسئول  
 آنها باطلیبیه هستند منتهی مسئولیت اختصاصی است  
 مسئولیت مشترک هم هست بطوری که الان هر یک از وزراء  
 دارند است بکار های عهد بگر آنها هم همین مسئولیت را  
 خواهند داشت اما راجع به مسئله امتیازات که فرمودید  
 (حیدی - معادن) معادن و امتیازات بطوریکه ملاحظه  
 میفرمائید در پیشنهادی که شده است و اگر مجلس تصویب  
 کند عمل خواهد شد در آنجا تقسیم وظایف را گذاشتیم  
 به موجب نظامنامه هشت دولت بنابراین چیزی که بنده  
 اینجا عرض میکنم یک مسئله دولت بنام است بک مسئله  
 است که شخصاً عرض میکنم و تصور می کنم که روی  
 بک همچو نظریه باشد امتیازات معمولاً و اساساً مربوط  
 بقسمت معادن است چون نظر اینست که کار هائیکه مربوط  
 باداره کل لاجاح است بک قسمتی هم کار های معادن است  
 باطلیبیه قسمت امتیازات باید در آنجا وارد شود بجهت  
 اینکه امتیاز فلاحتی یا باجاری کمتر معمول است بیشتر  
 راجع است بمعادن با وجود امتیاز بطوریکه عرض کردم  
 این چون بک مسئله نیست که حالا قیلم شده باشد و نظامنامه  
 که اگر آقایان اجازه بدهند هشت وزراء بگذرانند باید تکلیف این  
 کار را معلوم بکنند و این قسمت هم در آنجا روشن میشود  
**ولیس** - پیشنهادی از آقای طاهری رسیده است فرات  
 می شود:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دالت عظمه

پیشنهاد میشود ماده الحاقیه ذیل اضافه شود:  
 ماده الحاقیه - ماده دوم قانون میوب ۲۲ تیرماه  
 ۱۳۰۶ از این تاریخ املی است.  
**ولیس** - بفرمائید  
**دکتر طاهری** - در تاریخ بیست و دوم تیرماه ۱۳۰۶  
 بک قانونی گذشت که ماده دومش را اینجا فرات بکنیم  
 ؟ ماده دوم - تا افضای هر دروره تقنینیه نمایندگان مجاز  
 شورای ملی نمیتوانند هیچیک از خدمات دولتی را موقتاً  
 قبول کنند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت از  
 بندهای استعفاء بدهند این ماده یعنی خودی از مجلس برود  
 بیرون برود شاید برای بک موقعی که فکرها عالی تصور  
 میکنند مزاحمی شاید برای اعطاء هیئت دولت باشد یا  
 حال عصبانی مجلس این را وضع کرد در صورتیکه این  
 اصل بر خلاف اصول پارلمنت است و هیچ بوجهی این  
 برای ماندن این قانون نیست که اگر بک خودی از اجناب  
 پیدا کرد دولت از مجلس برود چرا باید این شخص سه  
 ماه قبل استعفاء داده باشد یا نتواند حقوق بگیرد حالا  
 شاید الان یکی از اعزاء مجلس طرف اجتناب شد این  
 قانون را خود مجلس گذرانند و بر خلاف اصول مجلس  
 میسر است و منتر هم هست برای اساس مجلس بجهت  
 باید این دولت اجتناب پیدا کرد بک خودی را برود  
 مجلس باید سه ماه قبل استعفاء داده باشد در صورتیکه  
 ممکن است اجتناب پیدا شده باشد یا اینکه سه ماه معانی  
 برود خدمت کند و نظایر هم پیدا کرده اگر اجتناب  
 نداشته باشد که مزاحمی نخواهد کرد و اگر هم اجتناب  
 داشته باشد نتواند برود حقوقش را هم بدهند و چون  
 بر خلاف اصل پارلمنتیست و بقایده هم ندارد برای مجلس  
 و دولت این است که بنده پیشنهاد کردم ماده دومش  
 حذف شود (یعنی از نمایندگان - استعفاء است)  
**ولیس** - آقای روسی  
**پوهی** - این قانون روزی که در مجلس وضع  
 شده است بک ضرورتی نداشته است حالا شاید بفرمائید  
 آیا امروزه مورد ندارد و بایستی املی شود ولی جایش

اینجا نیست (صحیح است) هنوز کسی را نیارور باید  
 معرفی کنند باید موقع خودش با هم موافقت جاریم  
 البته هر وقت دولت اجتناب پیدا کرد باید برود ولی  
 امروز الان در بک قانونی دیگر مربوط به تجزیه و وزارت  
 اقتصاد ملی با بیانیته الهه بک قوانین دیگری را بیاروریم  
 اینجا آن قانون هم بک عسنتی مجاری خودی دارد بک  
 معانی هم دارد و بنده بر خلاف آقای بک عسنتی را هم  
 نقل مسم  
**ولیس** - آقایان بک پیشنهاد  
**المر** - عرض دارم اجازه بفرمائید مربوط بلامحه  
 نیست نمیتود صحبت کرد  
**الکلی** - صحیح است مربوط بلامحه نیست.  
**ولیس** - چرا مربوط بلامحه نیست ؟  
**المر** - لامحه مربوط به وزارت اقتصاد است و هیچ  
 راجع به این نیست این قانونی است علیحده هر وقت  
 پیشنهادی کردند لامحه قانونی برایش بنویسند باید اینجا  
 مذاکره کنند پیشنهاد را که نمی توانیم در بی مذاکره  
 کنیم رد یا قبول چه رأی بدهیم حالا که مطرح نیست  
**ولتر عدلیه** - وضعیت بنده هر مذاکره راجع باین  
 مسئله اولاً عرض کنم که خالی از اشکال نیست برای  
 اینکه بک عسنتی نباید و بگوید بهتر است قانونی که  
 منع میکند وکلاً بخواهد بخدمات دولتی برسد این را  
 آقایان رای بدهند صرف نظر از جنبه دیگری لاف اول  
 در بر حائل اول خارج از تراکت است ولیکن بنده بخواستیم  
 آقایان را متوجه کنیم هر چیزی البته با بک تناسب  
 با بک مقدماتی پیش بیاید البته ممکن است خوب بپوشند  
 باشد ولی اگر بک صورت خاص پیدا کرد و بدولت  
 کفالتی که متناست با آن باشد پیش آمد تصدیق  
 بفرمائید بکنندری عسنتی بنظر می آید آقایان در ضمن  
 این که صحبت میجوید وزارت اقتصاد ملی بده ایران  
 تشکیل میشود منتقم میشود پیشنهاد میکنند که به ایران  
 قانون هم املی میشود بنده عرض میکنم که اگر هم  
 این مسئله مصلحت نیست یعنی بقای آن قانون و

اگر در خاطر آقایان باشد این قانون را هم دولت  
 پیشنهاد نکرد خود وکلاً پیشنهاد کردید اگر مباحث نیست  
 آقایان وکلاً همانطور دیگر که آمدید و بک طرحی درست  
 کردید بک طرح دیگری درست کنید بلامحه هیچ مانعی  
 ندارد آقایان بک اکثریت بک فرا کوبی دارند همین  
 طوری که هیئت دولت در بک مسائل وقتی که بقید  
 فوریت بیارورند در آن فرا کوبیون باید بیارورند صحبت کنند  
 همانطور هم آقایان میتوانند در اینجا مذاکره کنند این  
 کاری است که ما هم داریم حالا در بک مسئله که نمیتود  
 با بک پیشنهاد جزئی در ضمن بک قانون دیگری بک قانونی  
 را لغو کنیم این بک ملاحظاتی هم در بی بوده است باید  
 از آنکه مجلس تصویب کرد یا اینکه دولت پیشنهاد نکرد  
 بود ولی دولت های وقت بآن نمیتود بودند تصور بفرمائید  
 ایران شخص معین بخواست خودش بماند بیست اینکه  
 مانع نیست که این قانون هم باشد و ایران شخص هم  
 بماند پس از این نقطه نظر نیست می خواستیم عراضی  
 شده باشد و بکلی از آقایان نمایندگان که از دوستان شخصی  
 بنده بودند به بنده نوشته بودند که اگر شما میخواهید  
 مخالفت کنید بخواهیم است بنده با بکلی مراجعت بخواهیم  
 عرض کنم که صرف نظر از این قسمت است که آن  
 قانون خوب بود با غیر اگر از بنده پرسید که آن قانون  
 در آقوت خوب بود یا غیر بنده شخصاً (به عنوان عضو  
 دولت) نمیتوانم اظهار عقیده بکنم ولی بالاخره بک  
 قانونی بود آمد حالا که آمد یعنی خود مجلس آورد به  
 اینکه بگویم دولت آورد که بگویم برای بنده موجه است  
 خود مجلس آمد اینطور فرار گذاشت آقوت در بک  
 چنین چیزی در بک لامحه که مربوط باین مسئله نیست  
 (عسنتی - تناسب دارد) اجازه بفرمائید آقایان تالیف  
 با لامحه ندارد چرا در بک لامحه که مربوط به وزارت  
 عدلیه بود بک همچو چیزی نیارورده همانطور که عرض  
 کردم در بک مسائل که بک اهمیتتی دارد یا لا اقل (ولو  
 اینکه در عالم واقع بک اهمیتتی ندارد) با بک اهمیتتی  
 تالیف میشود همانطوری که دولت فرار گذاشته است که

با اکثریت غرضی بنیاد نظریه بکنند آیا ضروری خواهد شد  
داشت که اکثریت لا اقل دولت را مطلع کنند به طور  
غالب ملک مرتبه یک چیزی را بنا برده به مجلس از این  
نقطه نظر و الا در اصل قضیه بنده بنده اول میدهم که  
از برای شخص بنده هیچ غرضی نیست هر طور که  
اکثریت رأی داد البته همه مطلع هستند وبالاخره اجرا  
می شود ولی از خود آنها سوال میکنم که این شکل  
خوب شکلی است و اگر آقایان موافقت بفرمایند این  
طوری که بنده می بینم ملک عدیه زبانی از آقایان انتظار  
موافقت میکنند این چه اهمیتی دارد یک طرحی پیشنهاد  
کنند همانطور که آری با یک طرحی (مورد است) ایجاد  
کردند با یک طرحی هم از پیش برده میشود است  
با وجود این حال البته هر چه آقایان رأی دهند همان است  
المیر - مخالف وارد همه موافقت نیستند ملک عدیه موافقت  
بلک عدیه مخالف

**ولیس - آقای دکتر طاهری**

**دکتر طاهری -** عرض می شود اول بنده اینجا مذاکره  
چون این تناسب ندارد این را بنده قبول نمی کنم برای  
اینکه نسخ یک قانونی در ضمن قانون دیگری مانع ندارد  
(همی از این پیشنهادکنان - دارد آقا وارد) اجازه بفرمایند  
و اما با این فرضیهایی که آقای وزیر عدلیه فرمودند  
بنده هم موافقت دارم و این مسئله چون اصولاً منجر  
است در موقع دیگری طرح قانونی پیشنهاد می کنیم  
که بنظر فرا کسیون هم می رسد البته بنده پیشنهاد دارم  
می رود می دارم.

**ولیس - یکبار دیگر** ماده واحد قرائت می شود و

رأی میگیرم  
(ماده واحد به ترتیب ذیل قرائت شد)  
ماده واحد - از تاریخ اجرای این قانون وزارت  
اقتصادی به اداره کل تغییر میشود و اداره کل تجارت  
اداره کل فلاحت اداره کل صنایع  
ادارات مزبور در جهت نظارت عالی ریاست و وزراء  
هر یک از آنها بوسیله رئیس مسئولی که بدست معاونت وزارت

در مجلس و هیئت وزراء حق حضور و شرکت در مذاکرات  
دارد اداره خواهد شد.

و نظایب هر یک از ادارات لایحه به موجب نظرنامه که  
هیئت وزراء تصویب خواهد کرد تعیین و این قانون  
بلافاصله پس از تصویب به موقع اجرا گذاشته میشود.  
**ولیس - آقای اعتبار**

**اعتبار -** مقدمه اینجا نوشته از تاریخ اجرای این  
قانون وزارت اقتصاد ملی باین ترتیب تشکیل میشود و  
چنانکه قبلاً تصویب است و بعد اجراء است و این  
بنویسیم که از تاریخ تصویب این قانون وزارت اقتصاد  
به این ترتیب تشکیل میشود.

**ولیر عدلیه -** عرض کنم از نقطه نظر مطالب که  
نظارت میکنند در جهت اول بنویسند از تاریخ اجرا  
میشود و بنویسند از تاریخ تصویب به موقع اجرا گذارده  
میشود و هذالک ممکن است آقا پیشنهاد بفرمایند از  
تاریخ تصویب به موقع اجرا گذاشته شود بنده موافقت دارم  
**اعتبار -** بلافاصله که گذاشته درست میشود.

**ولیر عدلیه -** در هر صورت این یک اصلاح عبارتی است

بنده قبول میکنم.

**پیشنهاد آقای اعتبار**

پیشنهاد میکنم از (تاریخ اجرا) به (تاریخ تصویب)

و بدل شود

**ولیر عدلیه -** موافقت میکنم.

**ولیس -** رأی میگیرم باده واحد با اصلاحی که از  
طرف آقای اعتبار پیشنهاد شد موافقت قیام فرمایند

**( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد.**

**۴ - تصویب لایحه انتزاع املاک مزبور از ابیاع خارجه**

**ولیس -** خبر راجع به احوال غیر متقول ابیاع خارجه  
از ماده شش مطرح است. ماده شش قرائت میشود  
ماده شش - اگر ملک بقیمت تقویمه و یا بیشتر خریدار  
پیدا نکرد بهمان قیمت تقویمه و متعلق بدولت شده و متوجه  
انتقال از طرف عمده بحدایت بدولت داده میشود.

**ولیس -** اشکالی نیست؛ (خیر) ملک باید دیگر قرائت

میشود و رأی میگیرم.

ماده ۶ - اگر ملک بقیمت تقویمه و یا بیشتر خریدار  
پیدا نکرد بهمان قیمت تقویمه و متعلق بدولت شده و متوجه  
انتقال از طرف عمده بحدایت بدولت داده میشود.  
**ولیس -** آقایانی که با ماده شش موافقت دارند قیام  
فرمایند.

**( اکثر قیام نمودند )**

**ولیس -** تصویب شد ماده هفتم قرائت میشود.  
ماده هفتم - هر گاه دولت قیمت مزبور را تقابل  
پروازد ملک را قطعا تصرف خواهد کرد و اگر قیمت را  
تقابل نپرداخت ملک تا نپرداخت قیمت در تصرف دارد  
(پاروارش او) باقی مانده و دارنده ملک آری اخراج شود  
آن را و متعلق آری ملک خواهد بود

تا موقعیکه دولت قیمت ملک را نپرداخته است  
دارنده ملک حق خواهد داشت بهر نحو و بهر قوهتی که  
بخواهد ملک را با املاک دولت یکی از ابیاع ابراش  
انتقال دهد این انتقال مورد تصویب دولت واقع خواهد گردید  
و ذمه دولت و دارنده ملک نسبت بهم بری خواهد شد.

**ولیس - آقای وزیر احمدی**

**وزیر احمدی -** نظر خود اول بنده ملک نظری را که به  
این ماده واکنش و در نظر خود را پیشنهاد کردم پیشنهاد داد  
آمده که بیرون عدلیه و تصویب نقد این است که لازم می  
دائیم از آقای وزیر عدلیه خواهش کنم چون بنده درست  
مفکنت این موضوع انبوهوم این را توضیح بدهند عرض  
کنم بر حسب ماده شش ملک تقویمه که تقویم عد و  
خریدار پیدا نکرد بهمان قیمت متعلق میشود بدولت مال  
دولت میشود سند انتقال هم از طرف عمده داده میشود  
بدولت و این سند انتقال و این معامله البته بحدت هم خواهد  
رسید آرتقیت بعد که میخواهد ملک را بحدت کند چه بچوردند  
در اداره ثبت اسناد باس دولت ثبت میکنند بهات اینکه  
قبله باسم دولت صادر شد و ملک منتقل شد بدولت اما  
در ماده هفت میشود که اگر دولت پول را تقابل داد این  
ملک در تصرف دارنده ملک باقی بماند پس مالکیت دولت  
بلک ملک و متعلق میشود یعنی ملک با ملک است

که در تصرف خودش نیست فقط قبله است که معامله  
است ثبت ملک هم باسم دولت است اما ملک در تصرف  
ابیاع خارجه است حتی نام آثار ملکیت را بنابر این تصرف  
برای ابیاع خارجه موجب همین ماده قائل میشود حتی  
ارث که اگر مرد بوراتش این ملک ارث برسد و حال  
اینکه این ملک باسم دولت ثبت شده باشد اما اگر دارنده  
ملک مرد بوراتش ارث میرسد و او هم جور صرفات  
مانگانه در آن حق دارد بکنند این بود که در مورد اول بنده  
نظرم این بود که لا اقل محصور کنیم تا ده سال که اگر  
دولت در ظرف ده سال پول این را پرداخت این ملکیت  
سحب باشد در ظرف ده سال مجبور باشد ملک را بدهد  
و این قضی خوب بود ولی در مورد اول هم عرض کردم  
این قضی غرض میشود غرض این بود که ابیاع خارجه  
املاک مزبوره را نماند بکنند حالا این ملک این شکل  
است بهات اینکه انتهای معلوم نیست که تا چند سال  
دیگر است این ملک تسلیم نسل به وارث خواهد رسید  
و عایداتش را خواهد برد پس آن نظری که دولت داشته  
از این قانون حاصل نمی شود این ماده باید بنده بر  
خلاف آن نظریه است این است که اولاً ملک حدی همین  
کنند ده سال بازده سال و الا ملک ملکی باسم دولت  
ثبت شده در دفتر معاملات ما در دفتر ثبت اما آنوقت  
در تصرف دیگری است الا این بنظر بنده متغای است  
با اصل روح این قانون.

**ولیر عدلیه -** در موردی که ناممانده

معموم فرمودند راجع میشود باین صورت خاصی که  
باین معاهده داده شده است ملک معامله است دولت بکنند  
ملک ملکی را بخرند و مطابق یک قانون اصل طرز خریداری  
و صورت معامله ملک صورتی است غیر از معاملات دیگری  
که میشود برای اینکه در ضمن اینکه ملک است اجازه  
میدهد که دارنده ملک تا وقتی که پول را نکرده است  
آن ملک را در تصرف نگذارد و بالاخره همه قسم برای  
اداره آن عمل بکنند غرض و ضرورت با خودش باشد ملک صورت

خاصی دارد بنده اشکالی را که ذکر کردند وهم میدانم اینجا یاد داشت کردم خودم اینطور فکر میکنم مثل اینکه قبلاً هم عرض کردم اشکالی نیست یکی اینکه فرمودند سند مالکیت که باسم دولت صادر شد مالکیت خوب حالا چه جور است این سند چه جور صادر میشود عرض میکنم که کشدی صادر میشود باینکه دولت مالک است ولی مادامی که پول را نداده است مطابق فلان ماده مصوب فلان لایحه عمل خواهد شد بمبارزه اخیری یک شرطی است که در آن معامله مخصوص شده مثل تمام معاملات که بشرط میشود سایر معاملات صکه بشرط میشود چطور این میشود همینطور یک معامله شده یک کسی مالک است همانطور که بنده مالک ملک را بیع میدهم یک شرایطی میکنم در آنمند اختیار چه جور میکنم و فراری پیشم است مطابق آن مقررات که در بیع هست عمل می شود حالا من اینجا یک معامله است که دولت می کند منتهی قرار میگزارند مادامی که پول نداده است آن شخص که دارنده ملک بوده است ملک در تصرف او خواهد بود غرض و شرط ملک را خودش اداره میکند بمبارزه اخیری دولت مالی خودش ملک را اداره می کند اگر مشتری پیدا کرد بدولت اطلاع میدهد که دولت آن معامله را بکند از حیث معامله کردن و اینکه دارای یک شرایط خاصی است بنده هیچ اشکالی نمی بینم باینکه بسا معاملات را می دهد که اسان در تحت یک شرایط خاصی بکند اختیار می دهد که این قسم معامله بکند دیگر که اشکالی دارد اما راجع باین که من فرمایند دولت مالکیتش متزلزل است بنده تصور نمیکنم مالکیت دولت متزلزل شود بعقل اینکه هر وقت که دولت خواست پولش را بدهد این ملک را تصرف میکند آن شخص نمی تواند بگوید تصرف شما بدیدم دولت مالک است ولی در تصرف او است بآن آدم میدهد که آنرا اداره کند . میفرمایند صکه باینکه یک مدعی قرار بگذارند بنده تصور میکنم اگر این قبیل املاک را یک صورت جامی ما ازین داشتهیم و میزانی که این قبیل املاک ثبت دارد آتوق قیمت

معلوم بود بنده هیچ اشکالی نمی بینم که دولت یک ماده در این جا اضافه کند با یک پیشنهادی آقا بفرماید بنده قبول میکنم که در فاصله فلان مدت این املاک را خواهد خرید که این منوط باین است که چه قدر پول لازم است تا دولت بداند در ظرف چند سال می تواند این پول را بدهد اما چون هنوز این میزان در دست نیست بنده خیال میکنم که نمی توانیم بین کنیم چقدر مدت باید بگذاریم و بجهان تربیتی که در لایحه گذارده شده خواست و مطابق این قانون چیزی نخواهد گذشت که ما صورت این قبیل املاک را بدست میآوریم املاک که تماماً تقویم شده یک عده ملک است که مشتری پیدا میکند و فروخته میشود دولت بالاخره خواهد دید چه مقدار از این املاک باقی میماند و چه میزان قیمت دارند و برای پرداخت او چه ترتیبی خواست بدیم ؟ آرزوی که این ترتیب را داد البته ما نمی ندارد که دولت یک لایحه بیاورد که در خلاصت دولت تکلف است این املاک را بفروشد و پولش را بپردازد اما اصاف بدهید راجع بیک قسم که هنوز میزانی در دست نیست ما باینکه یک مدعی را معین کنیم و بگوییم که در آن مدت دولت حتماً باید این کار را بکند بنده این را مفید میدانم بلکه خارج از احتیاط هم میدانم بنده میگویم اگر آقا باین اجازه بفرمایند همین ترتیب باشد بهتر است برای این که اولاً بسیاری از این املاک قطعاً مشتری پیدا خواهد کرد و مقدار دیگری که باقی می ماند مسلم است دولت خودش در صدد خواهد بود که این املاک را بجزد یا لاقل از برایش مشتری پیدا کند و این عملیات را در یک فاصله کمی دولت انجام خواهد داد و اینکه شما از حالا باینکه یک مدعی را معین کنید که در آن مدت پول بدهند بنده این را مصلحت نمی دانم .

**رئیس** - آقای طباطبائی دینا  
**طباطبائی دینا** - بنده در کمیسیون عدلیه تذکره داد و اینجامه عقیده ام این است که اصلاحی لازم است. اینجا

وقت شده قیمت را و دولت پرداخت نکرده ملک در تصرف دارنده ملک باقی است . حتی این مطلب شامل وقتی هم که دولت قیمت قدمت اعظم ملک را پرداخت نموده میشود و این ملک باز در تصرف آن شخص خواهد بود در صورتیکه پول دولت نزد آن شخص است و منافع را هم او میبرد بنده عقیده ام این است که به نسبت قیمت مثلا فرض کنید اگر دولت نصف قیمت را پرداخت کرد نسبت باین نصف ملک قطعی دولت میشود و نسبت به نصف دیگر این شخص باید متصرف باشد و نسبت باین قسمت متاع مال او باشد اولاً اگر دولت قیمت قسمت اعظم را پرداخت کند دلیلی ندارد که باین شخص همه را متصرف باشد و منافع هم مال او باشد .

**وزیر عدلیه** - اساس فکر آقا البته صحیح است ولی بنده ام از کجا آقا همچو تصور فرمودند که دولت اینقدر منت باز است که بیاید نصف از قیمت ملک را بدهد و با وجود این بگوید تمام ملک در تصرف او باشد و باینکه نصف پول را داده تمام متاع هم مال او باشد بنده تصور نمیکنم بنده اندازه دولت حاضر باشد که پولی را وقت بدهد بنده عقیده ام این است که آقا این تکراری را نداشته باشند باین است که دولت می آید تمام پولش را میدهد وقتی که تصمیم گرفت (دیگر نمی آید سه دانگ از این ملک و سه دانگ از آن ملک بدهد) پول را میدهد و ملک را میگردی با این است که پول نصف ملک را میدهد آتوق بقدر نصف و بآن اندازه که داده از ملک را از تصرف او بیرون میبرد و پولی و نصف دیگر در تصرف اوست و هیچ مانع هم ندارد . و اصول کلی است . بنده اگر باشا قرار گذاشت که اگر تمام پول دولت شمارا داده ملک را تمام بگیرم و اگر یک قسمت را داده نسبت بان قسمت مالک میشود . ولی فایده این کار برای دولت چیست ؟ بنده میگویم دولت که میخواهد بطور متاع بیاید و مالک ملک باشد و متصل در کشکین باشد برای اینکه اصلا آن پولی را که برای این ملک میدهد با آن چهار دانگ در تصرف دیگران قرار دهد و اصل میخورد پنج تا تمام سال دیگر

همینطور و این بهتر است تا اینکه بیست و پنج تا ده دو دانگ سه دانگ بخرد . (صحیح است)

**رئیس** - آقای وثوق  
**وثوق** - عرض ندارم .

**رئیس** - آقایانیکه با ماده هشم موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد . ماده هشم قرائت میشود .

ماده هشم - هرگاه دولت قیمت ملک را بپردازد و بعد معامله آنرا تأویه کند هر یک از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در این صورت تقویم برطبق مواد در سه بصل آمده و دولت قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین می شود باید تأویه کند

**رئیس** - در ماده هشم نظری نیست ؟ (غیر آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .)

(جمعی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد . ماده هم قرائت میشود .

ماده هم - جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بهمه طرفی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزحمه مقومی که از طرف محکمه و مدعی العموم مطابق ماده ۴ این قانون معین میشود و نصف حق الزحمه سر مقوم و تمام مخارج مزایده بهمه دارنده ملک خواهد بود .

**رئیس** - اشکالی نیست ؟ آقای دکتر طاهری .

**دکتر طاهری** - بعقیده بنده حق الزحمه تجدید تقویم بایدست بهمه کسی باشد که تقاضا کرده ولیکن در سایر موارد مقوم باید از جانب طرفین معین شود برای اینکه یک معامله ایست که یک طرف آن خریدار است و یک طرف فروشنده . پس جهت ندارد که به عهده دارنده ملک باشد .

**وزیر عدلیه** - با این نظری که آقا میفرمایند البته بنده اینخواهم مخالفت کنم منتهی ما اینجا در ماده نوشته ایم میخواهم که آقایان هم توجه بفرمایند . جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بهمه طرفی

است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزوجه مقومی که دارنده ملک معین نمیباشد و همچنین حق الزوجه مقومی که از طرف محکمه و مدعی المدوم مطابق ماده ۴ این قانون معین میشود و نصف حق الزوجه سر مقوم و تمام خارج مزایده بجهت دارنده ملک خواهد بود. ۴ این از نقطه نظر دارنده ملک شاید يك قدری زیاد بنظر بیاید اگر آقا پیشتهادی بپدیده ممکن است آنرا بخوانیم و به بیتمه و بنده هم موافق

**رئیس** - آقایایکه با ماده هم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده ده قرائت میشود.

ماده دهم - هر نقل و انتقال واجیع با موال غیر متقول که تا تاریخ اجرای این قانون از طرف اتباع خارجه با تابع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی با تابع ایران که تا تاریخ اجرای این قانون تا سه ماه مقرر در ماده (۱) بمثل آید معتبر است

**رئیس** - آقای دیبا

**طباطبائی دیبا** - این جا آخر ماده که نوشته بطور ایجاب و ظاهراً مقصود نسبت به متماملین است و الا اشخاص ناک اگر دعوائی در این ملک داشته باشند این نقل و انتقالات البته نسبت باها معتبر خواهد بود و مقصود نسبت به متماملین اینست که دیگران. خوب است آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند.

**وزیر عدلیه** - در شور اول هم گمان میکنم یکی از نمایندگان محترم این تذکار را دادند و این محتاج به توضیحی است که بنده هم عرض کردم در اصل مطلب موافق و همینطور که آقا فرمودید مقصود ما این است که نسبت به معامله بین آن شخص و طرفین معتبر است و مخصوصاً در این قسمت نظر ما بیشتر بر این بوده که چون مالکیت دارنده ملک که خارجه است این شخص از نقطه نظر اصول مالکیت کسی نمی نوشته است

بآن بستنی است پول گرفته و فروخته نه نسبت بآن قدری که این ملک قیمت دارد

**وزیر عدلیه** - عرض کنم ما در اینجا خواستیم بيك اصل اشاره کرده باشیم برای اینکه هیچ سوء تعبیری نشود بيك صورتی نشود نسبت به بئمه خارجه که ملک را دارا بوده و بعد بموجب این قانون انتقال داده خواهد شد فردا بگوید بيك قانونی آمد و مرا وادار کرد و انتقال هم دادم حالا كيف فسادى هم شده خاموش نیستم خواستیم اشاره باین قسمت کرده باشیم والا سایر اصول کلی که قانون مدنى تکلیفش را معلوم کرده ما این را باید ده پانزده ماده برایش معین کنیم و اینجا بنویسیم البته آن اصول کلی که در این باب هست بجای خودی محفوظ است و همیشه در قوانین آن اصل که مورد لزوم است آنرا باید ذکر کنند چون اینجا ممکن بود يك سوء تفاهم شود و در ضمانت كيف فساد بئمه خارجه يك تزلزل پیدا شود این را خواستیم بگوئیم که هست بقی معامله تابع اصول کلی ضمانت است و همانطور که در سایر موارد رفتار میشود اینجا هم رفتار خواهد شد بنده نباید اینجا توضیح دیگری بدهم. فرض بفرمائید بنده آدمم بيك ملکی را به آقا فروختن آقا هم آندید شرط کردید که اگر خسارتي بمن وارد شد از عهد برآئید. حالا اگر معلوم شد خسارتي بر من وارد شده بموجب بيك اصل دیگری که هر كس خسارتي وارد نیارود باید جبران کند باید از عهد بر آئید و گمان میکنم خوب است آقا هم قناعت بفرمائید همین توضیحی که بنده دادم که این مسئله هم تابع اصول کلی است

**رئیس** - آقایایکه با ماده پانزده موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده پانزدهم قرائت میشود. ماده پانزدهم - نسبت به نقل و انتقالی که از طرف اتباع خارجه واقع شده یا بشود ام از این که بئمه خارجه مستقیماً نقل بوده یا مالک مطابق ماده ۷ انتقال داده شده باشد بئمه خارجه ضمانت درك و مسئول كيف فساد خواهد بود

**رئیس** - آقای وثوق

**سید مرتضی خان وثوق** - معنای ضمانت اصولاً در خارج این است که اگر فروشنده بيك ملکی را فروخت و معيوب در آمد باید از عهده خسارات وارده بر مشتری بر آید. اینجا فروش غرض عادی بیست فروش بوجه این قانون بر طبق حكم محکمه است که حكم انتقال داده است و فروش که شد قیمت مالك از طرف یکی از اتباع خارجه فرض کنید بیست هزار تومان بموجب ماده هفت معین میشود و خریدار هم در این ملک خرج کرده قنات درآورده بعد در این معامله فسادى ظاهر شد حالا بموجب این ماده آیا فروشنده ضمانت دارد بجهان اندازه که پول گرفته یا نسبت به تمام خسارات که بر خریدار وارد شده ضمانت خواهد داشت؟ عقیده بنده این است که خوب است در اینجا توضیحی داده شود که ضمانت نسبت

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده دوازدهم قرائت میشود. ماده دوازدهم - این قانون پس از يك ماه از تاریخ نوبت بوقع اجرا گذاشته خواهد شد.

**رئیس** - پیشتهادی از آقای احتشاد برسد بقرائت بمبوقه **پیشتهاد آقای احتشاد زاده**

پیشتهاد میکند ماده دوازدهم بطریق ذیل اصلاح شود. ماده دوازدهم - این قانون از اول مرداد ماه ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

**رئیس** - آقای احتشاد زاده

**احتشاد زاده** - در خبری که از کمیسیون داده شد تاریخ اجرای این قانون سر حیا معین نشده نوشته بگماه پس از تصویب در صورتیکه در تمام قوانین تاریخ اجرا تصریحاً باید معلوم باشد و بهر است که در این قانون هم تاریخ اجرا تصریحاً معین شود این است که بنده پیشتهاد کردم این قانون برای آنکه مقدمات اجرائی فراهم شود از اول مرداد ماه ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذارده شود.

**رئیس** - نظر آقای وزیر عدلیه؟

**وزیر عدلیه** - بنده موافق هستم.

**رئیس** - آقای منیر موافقت؟

**بعضی از نمایندگان** - مخیر نداریم.

**همراز** - بلی بنده موافقم.

**رئیس** - آقایایکه با ماده دوازدهم با اصلاحی که شد موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشتهادی آقای مسعود تائبی

ماده الحاقیه ذیل را پیشتهاد می نمایم:

ماده الحاقیه - در راه دولت مالکیت یکی از مالکین اتباع خارجه را برای یکی از نقاط مملکت مفید بداند میتواند وقتاً و درازا تکلیفی که در این قانون معین شده معاف ننوده و با او اخطار نماید.

**رئیس** - آقای مسعود تائبی

**مسعود تائبی** - بنده با اساس این لایحه مخالفم و متأسفانه در مقابل اظهارات سایر آقایان مخالف نیز جواب های مقننی از طرف مدافعین این لایحه داده نشده بنده اصولاً صوریکه بنده قبلاً ذلیل فروق العاده محکم کبرای

عدم قبول این لایحه موجود است منتهای ضمانت بود و موجب آن باشد که عکس این لایحه به مجلس نیابندول در هر صورت با احترام استاده که به دولت دارم هنوز هم بنده امید وارم شاید دلالی که ابراز آنها صلاح بوده و مسکون خاطر دولت است مفید بوده باشد لهذا با این لایحه موافقت مینمایم و پیشنهادی هم که تقدیم داشته ام فلذا با منویات مکتونه بنابنی نخواهد داشت بنده مستنقد که دولت باید دارای اختیارات مرسوم باشد زیرا که بر طبق تجربه ملک داری و قواعد رعیتی میدانیم که کسای قی باشد ممکن است یک تبعه خارجه وجودش در کمالی نافع باشد و از حیث عمل تجارت خرید پشم و پنبه با فروز قالی و غیره بدر اهل یک جهانی میخورد مثلا اگر در عملی یک نفر تبعه خارجه داری ملک مختصری باشد که بواسطه علاقتندی به آن ملک در آن جا سکونت اختیار کرده موجب رفاهیت اهالی آن اطراف گشته و نازه ملک او هم بقیت تاقوس مشتی نداشته باشد آیا لازم است بواسطه این لایحه خودمان را مقید کنیم و مجبور باشیم هم تحمل ضرر بکنیم و موجبات عدم رعایت اهالی را فراهم سازیم باری بنده معتقدم که دولت بایستی دارای اختیارات بیشتری باشد تا اگر به چنین مشکلاتی بر خورد بتواند از این اختیار استفاده کند و از همه مهمتر جنبه مالی این لایحه است زیرا چنانچه ملاحظه میفرمایید در تمام این لایحه کوچک زین یعنی برای دولت منظور نشده و بر عسر شری آن از این نقطه نظر که املاک بی مشتری بالاخره باید خرید شود قلمی است و اصولا تا کسی محتاج بفروش ملک نشده باشد از سختی این امر و بیجاگری فرورنده معلق نخواهد شد زیرا امروزه فروش ملک بقیت خیره کار مشکلی است و آنچه در باب فروش ملک شنیده میشود عموما صحبت از ده یک یا ده دو کمتر از از قیمت خیره است و اینسکه اشخاصی باشند که از قیمت خیره هم اضافه بپردازند کمتر است و معلوم نیست دولت با چه سرمایه زیاد و چه احتیاج مرمی ملک میخرد

با ضای بلند عرض میکنم که دولت جز این دلیلی که عرض کرده ندارد (صحیح است) که دولت از نقطه نظر یک اصل آمده است و این کار را کرده است میگوید که ما اجازه ندادیم بودیم حالا یک اشخاصی آمده اند و این کار را کرده اند ما میخواستیم بدون هیچ وجه که در سابق بوده است خانه بدهیم و این مسامحانه است و است بیک صورتی در بیابورم که بدانند اگر یک عمل خلاف ترتیبی اگر یک وقت واقع شد این بنا ندارد عرض کنم که این جا یک مفالی را کمان میکنم که نتوانیم این جا بیان کنیم و باین جهت آقا فرمودند که خوب دولت باین که از دست ملک داری خودش ناراحت است چرا میخواند ملک بخرد آنگاه دولت نمیخواند ملک بخرد دولت لایحه نیاورد است که ملک بخرد دولت لایحه آورده است از برای تقیه امور املاک که سابقا در دوره های گذشته اتباع خارجه آمده اند بخلاف یک مقراری دارشده اند میخواند این را ضمیمه کند و آتوقت نخواهست است با یک اشخاصی که آمده اند بگوید داده اند بالاخره یک ملکی برفت در دستمان نیاید است و در آن جا سها زحمت کشیده اند تقیبات زیاد بشود خبر باو میگویم که تا فلان مدت قانوناً باید ملکان را بفروشید و چون ممکن است مشتی باعتبار این که اگر صبر بکنند و مدت بگذرد البته بهتر میشود خرید یک کارهایی بشود که بر ضرر صاحب ملک باشد و بالاخره چون دارنده این ملک هم می بیند بالاخره باید بفروشد در مدت مین ناچار است بهر قیمت که شده آن ملک را بفروشد و البته این تزییق زیاد است آتوقت آمده ایم که راد حلی پیدا کرده ایم که اگر بنا شد خریدار پیدا نند دولت میخرد و معلق شرایلی که در این قانون است پولش را بده میدهد پس منظور این بوده است که دولت ملک بخرد و برای این منظور این لایحه را آورده باشد خود دولت هیچ چنین عقیده و ندارد و در اسان این که دولت ملک دار خوبی نیست بنده هم با آن واقفم که دولت ملک دار خوبی نیست . حالا بر میگردم

بعتراش دیگری که فرمودند در ضمن بیانشان فرمودند این کار اعتبار ناعدهای میخواند بنده روی مبنی نظر بود که الان یکی از آقایان پیشنهاد فرمودند پس اظهار فرمودند که خوب است بنویسید که در یک مدت معینی این املاک خرید شده بنده گفتم که نمیتوانم این کار را بکنم برای این که بنیدایم چه اندازه اعتبار لازم دارد پس وقتی که دولت دالست چه اندازه اعتبار لازم دارد آن املاک که میخواند بخرد موجب قانونی پیشنهاد میکند و مجلس و آتوقت بعد از آنکه مجلس به آن اعتبار رأی داد آتوقت آن اعتبار را بصرف این کار میزند بنده آن ایراد آقا در این قسمت وارد نیدایم و دولت نمی آید بگوید که هر چه خواستیم هر چه میبایست باشد اعتبار بدهید بدون این که بگوید امسال چقدر اعتبار بدهید رسید هزار تومان فلاقتدر اعتبار برای قیمت این املاک بدهد این کار را دولت نکرده دولت آمده است برای این کار ترتیبی مینماید و بعد از آنکه مقدار این املاک معلوم شد اگر اعتباری لازم شد دولت خواهد خواست حالا بیایم بعد از همه مذاکرات به پیشنهاد آقا که عرض کنم منتهایه موافق نیستم و بنده موافق نیستم با اینکه دولت اختیاری در مجلس خصوص داشته باشد چون با این کار بطوریکه به مجلس پیشنهاد شده است صلحت نبوده است عقبه شده باشد پس چرا دولت آمده است و صلحت پیشنهاد کرده است اگر هم میدانسته است و صلحت بوده است چرا دیگر حالا که دولت صلحت دانست بعضی از اتباع خارجه را آزاد بگذارد و دیگران را مجبور به فروش کند بنده این جور تبعیض را معتقد نیستم پس از نماندگان - مذاکرات کافی است

و پس از نماندگان - مذاکرات کافی است  
میباشد قیام فرمابند.  
( چند مرتبه قیام نمودند )  
مسعود ثانی - پس میگردم  
و پس - صورت شد . بهر دو نظر حالا کلیات مطرح است . مخالفی نیست . ( نماندگان - خیر ) رأی میگیرم



بمجموع لایحه آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)  
تصویب شد

[۵] - تقدیم بکفتره لایحه از طرف وزیر طرق

وزیر طرق و شوارع (آقای کاظمی) - چند سال بود راه آهن رشت و پوره بازار اجاره داده شده بود از اول امسال مستأجرش مستعفی شد و وزارت طرق این راه آهن را اداره میکند چون در بودجه وزارت خانه پیشبینی برای مخارج این راه آهن نشده بود و از طرف دیگر نوافسی در آن هست که باید بتدریج رفع شود از این جهت

لایحه تهیه و تقدیم شده که اجازه بفرمایند که در مدت سال عایدات این راه آهن صرف شود برای هم اداره این و هم تکمیل خود راه آهن.

[۶] - موعود دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - در دستور فعلاً چیزی نداریم اگر موافقت فرمایند جلسه آینده ما بکشنه ۲۳ خرداد باشد دستور عهد نامه های ایران و تونس و الحاق برادر داد جامعه ملل و سایر لوائح موجوده.  
(مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

راجع به تقسیمات وزارت اقتصاد ملی

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون وزارت اقتصاد ملی به سه اداره کل تقسیم میشود:

اداره کل تجارت

اداره کل فلاحت

اداره کل صناعت

ادارات مزبور در تحت نظارت عالی ریاست وزراء و هر یک از آنها بوسیله رئیس مستقلی که بسمت معاونت وزارت در مجلس و هیئت وزراء حق حضور و شرکت در مذاکرات دارد اداره خواهد شد.  
وظائف هر یک از ادارات ثلاثه بموجب نظامنامه که هیئت وزراء تصویب خواهد کرد تعیین و این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه شانزدهم خرداد ماه یکپزار و سیصد و شمس بصوب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

راجع به اموال غیر منقول اتباع خارجه

ماده اول - هر تبعه خارجه مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون صورت املاک مزروعی خود را با تعیین محل و مشخصات آن بدفتر محکمه بداین که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است در مقابل رسید تسلیم نموده و در همان موقع نیز مقومی کتباً معرفی نماید  
تیسره - توابع و منعلقات املاک مزروعی از قبیل قنوات چشمه سارها باغات مراعی و طواجین و امثال آن در حکم ملک مزروعی است

ماده دوم - رئیس محکمه بدایت پس از وصول صورت مذکور در ماده ۱ مقومی را که از طرف اداره مالیه عمل برای تقوم املاک به محکمه معرفی میشود مأمور خواهد کرد با مقومی که از طرف دارنده ملک معین گردیده ملک را تقوم نماید

ماده سوم - اگر در تعیین قیمت ملک بین مقوم مالیه و مقوم دارنده ملک اختلاف نظر باشد مقومین بزراعی بکفر سر مقوم تعیین خواهند نمود و در صورت عدم تراشی رئیس محکمه و مدعی العموم بدایت سر مقوم را معین خواهند کرد

تقوم سر مقوم در مراحل معتبر و قنطع خواهد بود

ماده چهارم - هر ملک مزروعی که دارنده آن در مدت مقرر به تکالیف مذکور در ماده اول عمل ننمود بوسیله مقومی که از طرف رئیس محکمه و مدعی العموم معین می شود تقوم خواهد شد در اینصورت دارنده ملک حق هیچگونه اعتراضی بر تقومی که بعمل آمده نخواهد داشت

مقاد این ماده در مورد ملک بجز مجری خواهد شد که مقوم معرفی شده از طرف دارنده ملک از تقویم خود داری کند

ماده پنجم - پس از آنکه قیمت ملک بطریق مذکور فوق معین گردید ملک بزرایده بقرتبی که در امرل محاکات حقوقی برای مزایده مقرر است فروخته خواهد شد

ماده ششم - اگر ملک بقیمت تقویمی یا بیشتر خریدار بیابدانکرد بهمان قیمت تقویمی متعلق بدولت شده و سند انتقال از طرف محکم، بدایت بدولت داده میشود

ماده هفتم - هر گاه دولت قیمت مزبور را نقداً بپردازد ملک را قطعاً تصرف خواهد کرد و اگر قیمت را نقداً نپردازد ملک تا پرداخت قیمت در تصرف دارنده آن (با وارث او) باقی مانده و دارنده ملک آن را بخرج خود اداره کرده و منافع آنرا بملک خواهد نمود

تا موقعیکه دولت قیمت ملک را نپردازد است دارنده ملک حق خواهد داشت بر نحو و بهر قیمتی که بخواهد ملک را با اطلاع دولت یکی از اتباع ایران انتقال دهد این انتقال مورد تصویب دولت واقع خواهد گردید و دولت و دارنده ملک نسبت بهم بری خواهد شد

ماده هشتم - هر گاه دولت قیمت ملک را نپردازد و بعد خواست آنرا تأدیه کند هر يك از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در این صورت تقویم بر طبق ماده ۲ و ۳ بعمل آمده و دولت قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین میشود باید تأدیه کند

ماده نهم - جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بعهده طرفی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزحمه مقومی که دارنده ملک معین مینماید و همچنین حق الزحمه مقومی که از طرف محکم و مدعی العوم مطابق ماده ۴ اینقانون معین میشود و نصف حق الزحمه سر مقوم و تمام مخارج مزایده بعهده دارنده ملک خواهد بود

ماده دهم - هر نقل و انتقال راجع باموال غیر منقول که تا تاریخ اجراء این قانون از طرف اتباع خارجه باتباع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی باتباع ایران که از تاریخ اجراء این قانون تا سه ماه مقرر در ماده (۱) بعمل آید معتبر است

ماده یازدهم - نسبت به نقل و انتقالی که از طرف اتباع خارجه واقع شده یا بشود اهم از اینکه تبعه خارجه مستقیماً نقل بوده یا ملک مطلق ماده ۷ انتقال داده شده باشد تبعه خارجه ضامن درک و مسؤول کشف قساق خواهد بود

ماده دوازدهم - این قانون از اول ارداد ماه ۱۳۱۰ بدوق اجرا گذاشته خواهد شد

این قانون که مشتمل بر دوازده ماده است در جلسه شانزدهم خرداد یکهزار و سیصد و ده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر